

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۵ جنوری ۲۰۱۲

نظریه پردازی زن ستیزانه ولی فقیه



علی خامنه ای، ولی فقیه و حاکم مطلق العنان جمهوری اسلامی روز ۱۴ دی [جدی] ۱۳۹۰ سخنانی ایراد کرد. او در جمع افرادی سخنرانی می‌کرد که رسانه های رژیم آنان را ”عالم“ و ”کارشناس“ و ”دانشمند“ اعلام کردند. همین رسانه ها برای این که بتوانند به مخاطبان القاء نمایند که ”نشست [جلسه] اندیشه های راهبردی جمهوری اسلامی“ چه قدر مهم بوده است، بر این موضوع تأکید کردند که نوشته های فقط ده تن از ”پژوهشگران“ و ”استادان“ و ”نخبگان“ حوزه و دانشگاه از میان ۱۸۸ مقاله رسیده به دبیرخانه جلسه گزینش شده بود تا در جلسه مذکور با عنوان ”زن و خانواده“ مطرح شوند و این چنین ”تضارب آراء و اندیشه ها“ به ثمر بنشینند! البته این ”دانشمندان“ گزینش شده را نباید با دانشمندان واقعی که استعداد و دانش خود را در خدمت پیشرفت بشریت و انسانیت می گذارند اشتباه کرد، نخبگان شرف یاب شده به بارگاه خامنه ای از نوع همان دانشمندانی هستند که با نظرات خود به رژیم هائی از نوع آدولف هیتلر کمک کردند تا اهداف ضدانسانی و فاجعه بار خود را عملیاتی کند. سخنان خامنه ای حاوی نکات جانبی کمی نبود، اما دونکته اصلی سخنان او بر این اساس بود که وظیفه اصلی زنان مادری و خانه داری و شوهرداری است، در ضمن زنان باید بیش از آن که در اندیشه کار در بیرون خانه باشند، بهتر است در خانه به همین وظایف بپردازند. خامنه ای حتا به دولت توصیه کرد تا به زنان کمک کند که بیش از آن چه که اکنون هست خانه نشین شوند! البته حتماً خامنه ای مردم فریب فراموش نکرده است که حدود ده سال پیش بیمه زنان خانه دار مطرح شد و هنوز در کشورهای دولتی خاک می خورد!

دو محور اصلی سخنان خامنه ای در “نشست راهبردی” چهاردهم جدی در واقعیت امر هیچ نکته جدیدی نداشت و اصلاً دلیلی نداشت که ۱۸۸ مقاله برسند که ۱۰ تا گزینش شوند و جلسه ای ۴ ساعته برگزار شود تا در طی “تضارب آراء” گفته شود، جمهوری اسلامی همان خواهد کرد که بیش از سه دهه است با آموزه های دینی ۱۴۰۰ ساله کرده است! خامنه ای در ابتدای سخنانش به روشنی بر این موضوع انگشت گذارد. وی اظهار داشت که در حوزه نظریه پردازی جمهوری اسلامی برخی جاها عقب افتاده است. اما کجا؟ او پاسخ می دهد: “در همین زمینه مسأله زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست، آیات کریمه قرآن، چه آیاتی که مستقیماً به این مسأله ارتباط پیدا می کند و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می شود، در اختیار ماست، این ها را باید تنویر کنیم...”

خامنه ای سپس افزود: “مسأله زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه یک است.” او سپس از گزینش شدگان تعریف و تمجید کرد و گفت: “دوستان، خانم ها و آقایانی که آمدند صحبت کردند، این معنا را ثابت کردند.” از ستایش خامنه ای چنین برمی آید که این جلسه واقعاً به حد اعلا فرصت تضارب آراء را داده است!

خامنه ای در بخش دیگری از سخنانش یادی از خمینی هم می کند و یادآوری می نماید که زمانی برخی از آخوندها با شرکت زنان در تظاهرات ضدسلطنتی مخالفت می کردند، اما خمینی موافق بود. با توجه به قوانینی که جمهوری اسلامی چه در قانون اساسی اش و چه در دیگر مقرراتش وضع کرد، این یادآوری امروز نشان می دهد که خمینی فقط تا آن جایی با حضور زنان موافق بوده است که نقش سیاهی لشکر را داشته باشند. نگاه کوتاهی به این قوانین با توجه به سخنان خامنه ای خالی از لطف نیست.

اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این نکته پافشاری می کند که “خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.” در این بند به راحتی می توان مشاهده کرد که حتا تشکیل خانواده در جمهوری اسلامی از عرصه خصوصی به عمومی کشانده شده است و به دولت دستور داده شده است که برای ایجاد واحدهای بنیادی جامعه اسلامی که خانواده است برنامه ریزی کند تا این واحدها به آسانی تشکیل شوند. روابط خانوادگی این بنیادها باید بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشند. حقوق اسلامی را زنان ایران در این سه دهه تجربه کرده اند و می دانند که از نظر حقوق اسلامی، یک مرد می تواند چند همسر داشته باشد، حضانت اطفال را پس از هفت سال از مادر سلب کند، زنان را حتا از خانه بیرون رفتن منع نماید و غیره. اما نکته جالب دیگر در این بند قانون اساسی جمهوری اسلامی واژه های “اخلاق اسلامی” ست که در مجاورت فوری حقوق اسلامی قرار گرفته است.

امروز دیگر همگان می دانند که هر گاه در جامعه ای سخن از حقوق می رود باید به جنبه های عموم شمولی آن و لزوم اجرائی شدن آن ها اندیشید. اما قانون نویسان اسلامی بی جهت و ناآگاهانه این دو واژه را در کنار یکدیگر نگذاشته اند، آنان اخلاق اسلامی را در بندی که می توان “بند ایجاد واحد بنیادی جامعه اسلامی” نامید، گذاشته اند تا مأموران اجرائی اشان بتوانند در خیابان ها به دختران و زنان برای بی حجابی و بد حجابی تعرض کنند، مانع روابط آزاد انسان ها به محض این که از دو جنس مختلف اند بشوند و غیره. البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی بندهای دیگری هم هست که بر این موضوعات تأکید شده است. از جمله بند بیستم آن که می گوید: “همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.” نتیجه عملی این بند نیز در سه دهه حکومت اسلامی در زمینه های

مختلف تجربه شده است. در همین مجلس ارتجاع اسلامی فقط ۸ تن از ۲۹۰ نماینده زن هستند. در جمهوری اسلامی همه افراد، چه زن و چه مرد حقوق سیاسی مساوی دارند اما با رعایت موازین اسلامی. به همین خاطر زنان را، هر چقدر هم مؤمن و معتقد به نظام اسلامی باشند از فهرست نامزدان ریاست جمهوری حذف می کنند! زنان و مردان در جمهوری اسلامی دارای حقوق فرهنگی مساوی با رعایت موازین اسلامی هستند به همین جهت حتا صدای تک خوانی زنان ممنوع است! قانون اساسی جمهوری اسلامی در بندهای دیگری نیز به لگدمال کردن حقوق زنان پرداخته و در لفاظیه فریبنده آنان را به شهروندان نه درجه دوم که چندم تبدیل کرده است. برای مثال اصل بیست و یکم این قانون می گوید: "اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن ها در صورت نبودن ولی شرعی."!

خامنه ای در ادامه سخنانش چند بار بر نظرات ارتجاعی که مدت هاست در ایران اجرائی شده اند و نیازی به نظریه پردازی بیش تر ندارند تأکید نمود. او در زمینه خانواده گفت: "مسأله خانواده مسأله ای بسیار مهمی ست، پایه اصلی در جامعه است." او لحظاتی بعد تبیض جنسیتی را در خانواده این چنین بیان کرد: "اگر زن در خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب می شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته... آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد." ولی فقیه رژیم اسلامی مهر دیگری بر نظریات ارتجاعی اسلامی در زمینه زن و خانواده کوبید، آن جایی که گفت: "بالاخره در داخل خانواده مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است... مرد ظاهرتر است، ساختمان او این جوری است، خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری، بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیش تر است." خامنه ای در جای دیگری به زنان توصیه کرد که به هر ترتیبی و در هر شرایطی شده از شوهران خود فرمانبرداری کنند. او گفت: "البته شوهرداری خیلی سخت است، با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقی هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان. خب زنی بتواند با این شرایط محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سکن - قرار بدهد خیلی هنر بزرگی است. این واقعاً جهاد است، این شعبه ای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند، جهاد با نفس است."

علی خامنه ای بیش از دو سوم سخنانش را به خانواده و نقش زن در آن اختصاص داد تا بهتر بتواند به نکته اساسی دوم سخنانش، همانا خانه نشین کردن بیشتر زنان و اجتناب از اشتغال و کار آنان در بیرون بپردازد. او گفت که جمهوری اسلامی مشکلی با اشتغال زنان ندارد اما به شرطی که وظیفه اصلی زنان فراموش نشود. اما وظیفه اصلی زنان از دیدگاه خامنه ای که امیرالمؤمنین عصر حاضر است چیست؟ خامنه ای پاسخ می دهد: "کار اساسی - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد." اما چرا خامنه ای این چنین بر عدم اشتغال زنان پافشاری می کند در حالی که نرخ اشتغال زنان بسیار پائین است؟ پیش از آن که خامنه ای پاسخ دهد باید اشاره نمود که حدود یک سال پیش، جلسه ای با عنوان "اشتغال زنان در سال جهاد اقتصادی" با حضور معاون وزیر بازرگانی و رئیس اتاق تهران، زنان بازرگان و کارآفرین برپا شد. در این جلسه فردی به نام فاطمه مقیمی گفت: "انتظار می رفت نرخ مشارکت زنان در ایران از ۲۵٪ بیشتر باشد، اما این نرخ در تحقیقات به کم تر از ۱۴٪ سقوط کرد و در سال ۱۳۸۸ نیز روی ۱۴٪ ماند در حالی که نرخ مشارکت مردان در همین سال ۹ / ۶۲٪ بوده است... بدین ترتیب مقابل هر ۱۰ نفر شاغل مرد، حدود ۲ نفر زن دارای شغل هستند." آمار و ارقام دیگری نشان می دهد که نرخ بیکاری زنان (۸ / ۱۶٪) بیش از نرخ بیکاری مردان (۸ / ۱۰٪) است، این

در حالی است که لاقفل در سطوح دانشگاهی تعداد دانشجویان دختر بیش از پسران است. آمار دیگری نشان می‌دهند که زنان جوان بیش از مردان جوان بیکارند و شهرنشینان زن که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند بیش از روستائیان زن بیکارند. بیش از بازگشت به سخنان خامنه‌ای و دریافت این موضوع که چرا او می‌خواهد زنان بیشتری را به خانه برگرداند به این موضوع هم اشاره کنیم که بر اساس آمار ارائه شده توسط یک خبرگزاری حکومتی به نام “خبرگزاری بین‌المللی زنان و خانواده” که روز ۲۱ جدی ۱۳۹۰ منتشر شد هم اکنون ۱۸ میلیون زن در ایران خانه دار هستند.

اما خامنه‌ای چه می‌گوید؟ او به زنان می‌گوید: “شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید یا اگر بچه نیاوردید یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را – که از تخم‌های ابریشم ظریف‌تر است – با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده عاطفی نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند، نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران، فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است، اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آن‌جا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد.” آری، آری تمام موضوع از این قرار است که ولی فقیه جمهوری اسلامی تنها راه حلی که بر بحران بیکاری و سقوط اقتصادی نظام یافته است خانه نشین کردن بیش از بیش زنان است تا جای همان ۲ زنی را که در برابر ۱۰ مرد کار می‌کنند را نیز مردان بگیرند. راه‌های حل جمهوری اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی هیچ تفاوتی با راه‌های حل افراطی‌ترین – نئوفاشیست‌های غربی – نیروهای سیاسی غربی ندارند. اگر بیکاری هست مقصر مهاجران هستند. جمهوری اسلامی پس از اخراج ده‌ها هزار افغان از ایران، حالا دوباره سرفقت زنان آمده است.

خامنه‌ای البته در انتهای سخنانش به محرم و نامحرم در محیط‌های کاری اشاره کرد و گفت که برای این که سوءظن‌ها در محیط خانوادگی کم‌تر شود بهتر است که زنان کار نکنند.

سخنان اخیر خامنه‌ای علیه زنان در همان چارچوب‌های کهنه دینی و قوانین اساسی جمهوری اسلامی و دیگر مقرراتش از جمله منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی که شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ تدوین کرد و در ۱۴۸ بندش به زن ستیزی جمهوری اسلامی وجه قانونی بیشتری داد، ایراد شد. خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانش خواهان خانه نشین کردن بیش از پیش زنان شد و این در حالی است که تعداد زنان شاغل به طرز بی‌سابقه‌ای، لاقفل از ۵۰ سال بدین سو، افت داشته است. او از سوی دیگر به تشکیل خانواده و نقش زن در آن اشاره کرد. این موضوع هم در حالی مطرح می‌شود که مشکلات اقتصادی منبعث از نظام سرمایه‌داری بحران زده در ایران از یک سو و روابط اجتماعی که جمهوری اسلامی آن‌ها را با سیاست‌هایش به هم ریخته‌تر از همیشه کرده است موجب این شده که دست کم ۴۰٪ ازدواج‌ها به طلاق بینجامد. از آمار سازمان ثبت احوال در نه ماهه نخست سال ۱۳۸۸ چنین برمی‌آید که نزدیک به ۹۳۰۰۰ طلاق ثبت شده است.

سخنان اخیر خامنه‌ای در “جلسه‌اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی” بار دیگر نشان داد که تغییر در وضعیت زنان در چارچوب سیاسی – اقتصادی کنونی میسر نیست. هر چند زنان ایران همه روزه در عرصه کار، تحصیل یا حتا خانواده عملاً مخالفت آشکار خود را با این شبه‌اندیشه‌های ارتجاعی و واپسگرا نشان داده و می‌دهند، اما رهایی زنان از تمام این قید و بندها بدون مبارزه‌ای همه‌جانبه‌تر و گسترده‌تر دور از انتظار است.

منتشره در نشریه کار: شماره ۶۱۳